

ایا شکست دیگری برای کردها در راه است ؟

در دو هفته اخیر مساله فراندوم در اقلیم کردستان توسط رسانه های بین المللی و بالخص در میان احزاب سیاسی کشورهای عراق، ایران و ترکیه بازتاب گسترده ای داشته است .

دول کشورهای عراق ، ترکیه و ایران با برگزاری فراندوم و اعلام نتایج ان در برابر عملی انجام شده قرار گرفتند و تهدیدهای خود را گام به گام به اجرا گذاشته اند.

اقلیم کردستان ، با تعطیلی فرودگاههای اربیل و سلیمانیه روی پروازهای خارجی ، در محاصره کامل سه کشور عراق ، ایران و ترکیه قرار گرفته است .

حیدر ابادی نیز تهدیدات دیگری را به احتمال قوی و زیر فشار پارلمان عراق به اجرا در خواهد آورد ، از جمله حمله به کرکوک .

تهدید های دیکتاتور ترکیه و سردار سلیمانی برای بستن مرزهای زمینی هم جزئی از تصمیمات این دو کشور هستند .

بار دیگر ، سایه جنگ ، نا امیدی ، سر در گردانی ، گرسنگی ، قحطی ، دستگیری ، شکنجه ، اعدام و اواره گی طی سه روز گذشته به اقلیم کردستان بر گشته است . هر چند که مردم این منطقه صد سال است که با این فراز و نشیب ها آشنا هستند . اما از آنچه که قرار است اتفاق بیافتد بی اطلاعند .

در این مطلب کوتاه من نکته نظرات خودم را هم همزمان بیان میکنم . لازم به تذکر است که این مطلب را به در خواست مجید مینویسم و من همه اطلاعات لازم را ندارم و در این مطلب تلاش میکنم نکاتی را که بنظرم به تشخیص ما از اوضاع کنونی کمک میکند مورد توجه قرار بگیرد .

برای هر کردی چون من که متولد کردستان هستیم و در ان زندگی کرده ایم ، این روز ها ، روز های سخت و ناخوشی است . من چند روز قبل از فراندوم به اربیل رفتم و در شادی و پایکوبی مردم به مناسبت این فراندوم شرکت کردم . با وجودیکه هیچ وقت به عملی شدن استقلال کردستان نه در عراق و نه در سایر کشورها اعتقاد نداشته ام .

کردها بالخص در صد سال گذشته تجارب گرانبهایی در سیاست و جنگ اموخته اند و متاسفانه کردها از آنچه که اموخته اند درس های لازم را نمیگیرند و دلایل قیام های شکست خورده ما در سه کشور ترکیه ، ایران و عراق کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته اند . و پس از ۲۶ سال امروز این سؤال مطرح است که چرا فراندوم ؟

۱- چرا فراندوم ؟

اقای مسعود بارزانی هدف از فراندوم را جدایی از عراق و استقلال کردستان اعلام کرده است . از نظر ایشان همه راه های مذاکره و گفتگو با عراق بی نتیجه بوده است و بنا بر این هیچ راهی باقی نمانده جز جدایی و ایجاد کشوری مستقل .

ایشان در پاسخ به کشورهای غربی و سازمان ملل که مخالف برگزاری این فراندوم بودند ، این سؤال را در مقابل انها مطرح میکرد که ایا راه دیگری غیر از استقلال برای کردستان در نظر دارند ؟ البته پاسخ همه کشورهای غربی و حتی روسیه و سازمان ملل روشن بوده و هست ، انها خواهان تجزیه عراق نیستند .

اما چرا اگر آقای بارزانی که از نظرات مجامع بین المللی و همسایگان خود با خبر بوده و هست ، باز بر انجام این فراندوم پا فشاری کرد ؟

اقای مسعود بارزانی دو روز قبل از فراندوم در جمع خبر نگاران در اربیل در پاسخ به خبرنگار بی بی سی ، در رابطه با حمایت های خارجی گفت : خبرهایی که ما داریم در حمایت از فراندوم با خبرهایی که رسانه ها دارند فرق میکند . این توضیحات را نزدیکان و مشاوران وی هم تکرار میکردند و تقریباً حالتی سری پیدا کرده بود .

اما چرا کسی نمی‌دانست از فردای فراندوم چه پیش می‌آید و برنامه کاری آقای مسعود بارزانی چیست؟ آیا آقای مسعود بارزانی هم در برگزاری فراندوم و هم در موضع گیری هایش در قبال دولت مرکزی عراق دچار محاسبه های غلط شده است؟ عوامل متعددی را می‌شود در رابطه با این تصمیم فراندوم بر شمرد: وضعیت بین المللی، بر سر کار آمدن آقای ترامپ، نزدیک شدن خاتمه جنگ با داعش، وضعیت منطقه، نا توانی ارتش عراق، دست یابی کردها به در آمد سرشار نفت، و عوامل سیاسی - اجتماعی در خود اقلیم کردستان.

- آقای مسعود بارزانی و مشاورانش بر این عقیده هستند، که امریکا برای خاورمیانه نقشه ای جدید دارد و در این نقشه گُردستان مستقل هم در نظر گرفته شده است. بنظر من ایناز نوع همان توهماتی است که کردهای ایران، عراق و ترکیه نسبت به منشور اتلانتیک داشتند و در سر داشتن چنین توهمی امروز به اشکار در اقلیم کردستان به چشم میخورد.

- بر سر کار آمدن آقای ترامپ و وعده های او به کمک تسلیحاتی بیشتر به کردها این توهمات را دو چندان کرده است.

- با نزدیک شدن خاتمه جنگ با داعش، آقای مسعود بارزانی میدانند که هدف بعدی و جنگ بعدی دولت مرکزی عراق دعوا بر سر نفت کرکوک و سپس موجودیت حکوت خود مختار اقلیم خواهد بود. بنا براین قبل از آزاد شدن نیروهای نظامی عراق فرصت مناسبی برای این فراندوم قلمداد شده است.

- نیروهای نظامی عراق پس از خاتمه جنگ به کمک امریکا و ایران سازماندهی مجدد میشوند و با تجاربی که از جنگ با داعش بدست آورده اند. در نبرد بعدی با کردها، از خود آمادگی بیشتری نشان خواهند داد و این برتری در آینده نزدیک به نفع کردها نیست. بالخص با ادغام نیروهای حشبال شیعی که در ارتش عراق. بنا بر این گذشت زمان به نفع کردها نبوده و نیست. و باید تکلیف کردها در عراق روشن شود.

- از طرف دیگر اقلیم کردستان در آمد سرشاری از منابع نفتی عایدش میگردد و در طی ده سال گذشته شهرهای اقلیم دچار تحولات عظیمی شده اند، که تصور آن ده سال پیش غیر ممکن بود. ایجاد ده ها دانشگاه، اعزام سه هزار دانشجو به اروپا، باز سازی خانه ها، ایجاد بیمارستان ها و مراکز پزشکی، باز سازی پارک ها، ساختن جاده ها، تونل، مراکز تجاری، فرودگاه، و بهبود وضعیت روزمره مردم، جزاً دستاوردهای حکومت اقلیم است.

- اما با وجود این دستاوردها هنوز در شهر اربیل روزی سه ساعت مردم به اب دسترسی دارند و روزی ۸ ساعت برق. در همه خانه ها و مراکز تجاری و اداری، مردم با نخیره کردن اب و گازوئیل در تانکرها زندگی میکنند. ژنراتورهای تولید برق نیز در همه نقاط اربیل به چشم میخورد. بیکاری بیداد میکند، و از طرف دیگر فساد اداری، مالی، قضائی، داد بسیاری را در آورده است. بالخص جوانان که از طرق رسانه های اینترنتی اخبار پولدارها، مخارجشان و شیوه زندگی شان را دنبال میکنند.

- ساختار سیاسی حکومت اقلیم و اختلافات بین نیروهای سیاسی، یکی دیگر از مشکلات بر سر راه آقای مسعود بارزانی بوده، تا قبل از فراندوم و با عواقب فراندوم شاید نتیجه ای که ایشان از این فراندوم انتظار داشت - بر عکس به ضررش تمام شود.

- حکومت اقلیم پس از سقوط صدام حسین ۲۰۰۴ مابین دو عشیره طالبانی و بارزانی ۵۰۱۵۰ تقسیم شد و البته این تقسیم قدرت و مناطق جغرافیایی با بحث و گفتگو صورت نگرفت. در سال ۱۹۹۶ در گیری شدید نظامی ما بین پیشمرگان دو طرف صد ها نفر از طرفین کشته شدند و بالخره سلیمانیه و شهرهای اطرافش بدست طالبانی افتاد و بارزانی ها اربیل، دهوک و شهرهای اطراف را به تصرف خود در آوردند و این تقسیم بندی هنوز هم وجود دارد. در سال ۲۰۰۴ که قرار شد یک نفر کرد رئیس جمهور عراق گردد. مسعود بارزانی و جلال طالبانی به این تفاهم رسیدند که جلال طالبانی به بغداد برود و رئیس جمهور شود و آقای مسعود بارزانی رهبر بر گزیده کردستان باشد. تحولات اجتماعی و سیاسی منجر به انشعاب در اتحادیه میهنی شد و در سال ۲۰۰۶ جریان گوران تغییر شروع به فعالیت کرد. در همین زمان نیز اسلامی های سلفی که از جانب ایران حمایت میشدند فعالیت گستردهای آغاز کردند. با شروع بهار عربی و بی ثباتی در بغداد کردها بفکر تشکیل دولت و پارلمان افتادند. اما در اذهان نمایندگان دو طرف بارزانی و طالبانی قرار بود همان توافق ۵۰۱۵۰ پا بر جا بماند و یا حتی اگر در پارلمان نتوانستند چنین باشد در دولت و سایر نهادها بر اساس همان توافق کارها پیش برود. اما بهار عربی از راه رسید و جنبش گوران با انرژی گرفتن از تحولات در کشورهای عربی در انتخابات دور دوم مجلس اراء بیشتری از اتحادیه میهنی بدست آورد و تعادل قوا تغییر کرد. گوران ها نه تنها خواهان سهم شدن در کل قدرت و نهاد ها شدند، بلکه خواهان کنار رفتن آقای مسعود بارزانی و تغییر وی شدند و تفاهم ۵۰۱۵۰ رامردود شمردند. دعوها بر سر ماندن آقای مسعود بارزانی بالا گرفت و آقای مسعود بارزانی دستور تعطیل مجلس را دو سال پیش داد. جنگ با داعش و وضعیت منطقه و عراق تا حدودی

اختلافات را تحت الشعاع قرار داده است . اما با نزدیک شدن به خاتمه جنگ اختلافات بر سر چگونگی قدرت و تقسیم قدرت بسرعت سر بر می آورند . و آقای مسعود بارزانی با برگزاری رفراندوم از این جهت فرصت بهتری برای تثبیت موقعیت خود نمی توانست پیدا کند .

- و در ادامه خصوصیات کردها در تجزیه و تحلیل از مسائل و ناشی گری های سیاسی رهبران کردها نقل قولی از زبان قاضی محمد را بسیار گویا میدانم .

توهم حمایت غرب از کردها و اقلیم کردستان

-----

اربابی ، تازی (سگ شکاری) به یک روستایی می بخشد ، روز بعد روستایی به نزد ارباب بر میگردد و از وی بسیار تشکر میکند ، به نوعی که ارباب انتظار آن همه ستایش را در خود نمی بیند ، متعجب میشود و می گوید : چنین بخششی کوچک آن همه ستایش دارد ؟

روستایی در جواب گوید : چون تازی که بخشیدی به معنای آنست که با تکمیل وسیله شکار ، یک اسب را هم خواهی بخشید و اسب هم بدون خوراک نمی تواند زندگی کند و آن هم به معنای آنست که علوفه اسب را هم خواهی بخشید و اسب و صاحب جدید هم بدون سر پناه نمی توانند زندگی کنند در نتیجه خانه ای را هم خواهی بخشید پس چون آن همه وسایلم را دهی چگونه خوشحال و از هر کسی شادتر نباشم .

شاید تعجب آور باشد ، اما ما نمونه های فراوانی در سیاستمداران و رهبران کرد در طی ۱۴ قرن گذشته و بالخص در صد سال گذشته تجربه کرده ایم ، که در مقاطع تاریخی مهم و سر نوشت ساز هیچگاه از این تجربیات بهره ای گرفته نشده است .

آقای مسعود بارزانی فکر میکرد که : ما به امریکا پایگاه نظامی داده ایم ، فرودگاه های ما در اختیار آنهاست ، با داعش میجنگیم ، با دولت مرکزی شیعه عراق مخالفیم ، با اسرائیل رابطه اطلاعاتی و امنیتی داریم ، با سیاست های عربستان و سایر کشورهای مخالف ایران در منطقه در مقابله با نفوذ ایران همراه هستیم ، حاضر به فروش نفت ارزان تر از عراق هستیم ، خواهان خرید تسلیحات از امریکا و شرکای اروپایی هستیم ، مسیحیان را حفاظت میکنیم ، خواهان گسترش معاهدات اقتصادی با امریکا و شرکای امریکا هستیم ، پس دلیلی ندارد که با استقلال ما از طرف مخصوصا امریکا و فرانسه مخالفتی صورت بگیرد . آقای مسعود بارزانی فقط با عینک خودش به منافع امریکا و شرکایش نگاه میکند و اشتباه نیز از اینجا آغاز می شود و توقعات بعدی از امریکا و فرانسه بر همین بستر صورت گرفته است . این محاسبات غلط به اشکال دیگری در رابطه با ترکیه و ایران نیز بکار گرفته شده است .

نادیده گرفتن تجارب گذشته

-----

در نظر نگرفتن تجارب فرارنی که کردها در مقاطع حساس تاریخی با غرب و شرق بدست آوردند و اعتماد به آنها و کشورهای همسایه ، با تاریخ جنبش های کردی عجین شده است . من در اینجا به چند مورد اشاره میکنم .

- علل زیر پا گذاشتن تعهدات متفقین در رابطه با معاهده ۱۰ اوت ۱۹۲۰ (sevre) کشورهای متفق پیروز در جنگ جهانی اول علیرغم اینکه برای اولین بار سند حقوقی - بین المللی را در مورد حق تعیین سرنوشت کردها به رسمیت شناختند و برای آن نیز مهلتی یکساله در نظر گرفتند . اما کشورهای متفق نه تنها به این معاهده وفادار نماندند و حقوق کردها را نادیده می گرفتند و بلافاصله همزمان با ترکیه وارد مذاکرات پنهانی شدند و ترکیه با دادن شهر موصل به انگلیس از شر قبول خود مختاری کردها نجات پیدا کرد . بلکه از این معاهده در مناسبات شان پس از جنگ سوء استفاده هم میکردند . کردهای ترکیه با نا امید شدن از انگلیس ها ، تلاش کردند اینبار تحت قیمومت روسها به هدف و ارزوی خود کردستان مستقل دست یابند .

شوروی هم طبق معاهده ۱۶ مارس ۱۹۲۱ م ، به علت داشتن مناسبات دوستانه با ترکیه ، کمکی به جنبش کردها نکرد .

امروز نیز امریکا و شرکایش از نیروهای کرد در عراق و سوریه برای مقابله با داعش ، بشار ال اسد و صدام حسین حداکثر استفاده را نموده اند ، اما هیچگاه حاضر به برسمیت شناختن حقوق کردها نبوده و نخواهند بود .

کردستان جنوبی ۱۹۲۲

-----

در سال ۱۹۲۲ انگلیس ها که حکومت های عراق و فلسطین را تحت قیمومت خود داشتند برای جلوگیری از نیروهای کمالیست های ترکیه ، شیخ محمود برزنجی را به سلیمانیه برگرداندند و وی را به عنوان رئیس (حکمدار) شورای انتخاباتی سلیمانیه برگزیدند . حکومت کرد تشکیل شد و برادر شیخ هم ( شیخ قادر ) نخست وزیر شد . زبان کردی رسمی شد ، تمیر و اسکناس چاپ شد . چند ماه بعد نمایندگان شیخ محمود برای مذاکره در مورد خودگردانی به بغداد رفتند و طرف های انگلیسی - عراقی خواسته های هیات نمایندگی را قبول نکرده و مذاکرات به بن بست کشیده شد . شیخ محمود نیز با نا امیدی از انگلیس ها به سوی شوروی رفت اما انگلیس ها سلیمانیه را دوباره اشغال کردند و شیخ محمود با ایران پناهنده شد .

جمهوری مهاباد (ایران - ۱۹۴۶)

-----

قاضی محمد به عنوان رهبر دولت خود مختار و رهبر حزب زندگی کردستان که در اوایل فعالیت خود با شعار استقلال در کردستان وارد صحنه شده بود ، با درخواست نمایندگان شوروی ، برنامه خودمختاری ملی - فرهنگی را پیش میبردند . رهبران کرد در انزلی با خوش بینی به منشور اتلانتیک و اعتماد زیاد به شوروی مطمئن بودند که به حق و حقوق خود یعنی حق تعیین سرنوشت و ایجاد کشوری مستقل دست خواهند یافت . هر چند که نه در این منشور صحبتی از برسمیت شناختن حقوق کردها شده و نه کسی به کردها چنین وعده ای را داده بود . حزب دموکرات کردستان ایران در اولین اعلامیه خود آورده است : امروز اقوام جهان از بزرگ و کوچک خواهند از این راهی که بسوی آزادی هموار شده بهره بگیرند و از این وعده هایی که بر طبق منشور تاریخی اتلانتیک اعلام شده بود سود برند و امور اجرایی خود را به دست گیرند و سرنوشت خود را به خواست و میل خود تعیین کنند .

خوشبینی رهبران کرد به این منشور نا امیدی آنها از آمریکا و انگلیس ، امضا کنندگان این منشور و سپس برگشت بسوی شوروی ، درس نگرفتن ، از حوادث سالهای پس از جنگ جهانی اول و بازی های سیاسی با کردها ، بی اطلاعی کردها از قرارداد یالتا موجب شدند تا بار دیگر کردها در محاسباتشان دچار شکستی سنگین شوند .

یکی دیگر از دلایل قطع حمایت شوروی مذاکرات مربوط به امتیاز نفت شمال بود . مسکو نه تنها هیچ وقت رسماً از خود مختاری کردها حمایت نکرد ، بلکه با گرفتن امتیاز نفت شمال حمایت از حکومت های ازبایجان و کردستان را متوقف کرد .

پیمان سعداباد عهدنامه عدم تعرض

-----

روز ۱۷ تیر ۱۳۱۶ در بین نمایندگان ایران ، ترکیه و عراق امضا شد که بر مبنای بند ۷ این معاهده : هر یک از دول متعاهد متقبل می شوند که در حدود سرحدات خود از تشکیل و یا عملیات دستجات مسلح و از ایجاد هر گونه هیات و یا تشکیلات دیگری برای تخریب مؤسسات موجود و یا برای اختلال نظم و امنیت هر قسمتی از خاک متعاهد دیگر ( سرحدی یا غیر سرحدی ) و یا برای واژگون ساختن طرز حکومت طرف دیگر جلوگیری نماید .

در این بند هیچ شکی نیست که سیاست منطقه ای سه کشور را در مقابل با جنبش های کردی در سه کشور مد نظر دارند و ما در مقاطع تاریخی دیگری چون امروز شاهد بوده ایم که این سه کشور هر گاه احساس خطر بکنند علیرغم اختلافاتشان بر سر سرکوب جنبش های کردی توافق نظر و عمل دارند . بنا بر این پناه بردن به هر کدام از این سه کشور و تقاضای یاری خواستن از آنها پر هزینه بوده و خواهد بود .

شروط آقای مسعود بارزانی برای شروع مذاکره

-----

آقای مسعود بارزانی می گوید حالا که رفراندوم برگزار شده و رای مردم را برای کسب استقلال دارم ، مذاکره با دولت مرکزی را برای چگونگی پیشبرد امر استقلال کردستان میپذیرد . و این موضع را در شرائطی مطرح میکند که سازمان ملل ، کشورهای غربی و کشورهای همسایه اقلیم کردستان این رفراندوم را تایید نکرده اند . باز این سؤال پیش میاید که چرا آقای بارزانی یک تنه به این مقابله رفته است و چه نقشه ای در سر دارد که کسی از آن با خبر نیست ؟

اگر تا قبل از برگزاری رفراندوم آقای بارزانی در جلو دوربین های تلویزیون به مردم وعده حمایت های بین المللی میداد ، امروز پس از گذشت ۴ روز از رفراندوم بر کسی پوشیده نیست که حمایتی وجود نداشته ، نه پنهان و نه آشکار . اما اگر همانند تجارب گذشته که در بالا ذکر شد رفراندوم بر اساس توهمات و خیالات و محاسبات اشتباه ، برگزار شده باشد بطبع عواقب جبران ناپذیری برای آقای مسعود بارزانی ، حکومت و مردم اقلیم کردستان ببار خواهد آورد . بنظر من آنچه که پیش روی اقلیم است راه حل مذاکره بدون قید و شرط است . اگر این مذاکرات جنبه منطقه ای و بین المللی بگیرد ، چه بهتر . سکوت و عدم اظهار نظر گروه های سیاسی اقلیم از یکطرف و ادامه هر چه بیشتر شدن تهدیدهای عراق و کشورهای ایران و ترکیه ، مانورهای نظامی مشترک عراق و ترکیه ، مانور نظامی ایران در مرزهای اقلیم کردستان ، همه و همه نشان از تحولات ناخوشایندی برای مردم اقلیم دارد . و سکوت چند روز گذشته آقای مسعود بارزانی و دیگر احزاب سیاسی اقلیم کردستان ، سکوت رئیس جمهور کرد عراق ، بی گمان نشان از بی برنامه بودن و سردر گمی ها دارد .

بهروز -ک ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۷